



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى



موضوع:

احکام؛ طهارات و نجاسات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: محمد صادق

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۱۳

لطفاً احکام آب‌ها و کیفیت تطهیر انواع نجاست‌ها با آن‌ها را بیان کنید.

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۲۲

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. آب بزرگ‌ترین نعمت مادی خداوند و منشأ پیدایش موجودات زنده است که خداوند آن را سبب طهارت از آلودگی‌ها قرار داده و فرموده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا»؛ «و از آسمان آبی پاک کننده فرو فرستادیم» و فرموده است: «وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ»؛ «و بر شما از آسمان آبی فرو می‌فرستد تا شما را با آن پاکیزه کند و پلیدی شیطان را از شما بزداید». با این وصف، هر چیزی که به صورت مطلق «آب» نامیده می‌شود، پاک کننده است؛ به این معنا که می‌توان با آن حَبْث و حَدَث را برطرف نمود و برای اقامه‌ی نماز آماده شد، ولی چیزی که به صورت مطلق «آب» نامیده نمی‌شود، بلکه به صورت مضاف «آب» نامیده می‌شود، در واقع «آب» نیست و دست کم نمی‌تواند پاک کننده‌ی حَدَث باشد؛ مانند آب میوه و آبی که از فرط آمیختگی به مواد دیگر، به صورت مطلق «آب» نامیده نمی‌شود؛ چرا که خداوند به انجام وضو و غسل با «آب» امر کرده و فرموده است: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا»؛ «پس (اگر برای وضو و غسل) آب نیافتید، با خاکی پاکیزه تیمم کنید»؛ هر چند پاک کننده بودن آن برای حَبْث، خصوصاً در صورتی که دسترسی به آب مطلق وجود نداشته باشد، ممکن است؛ زیرا در تطهیر حَبْث -بر خلاف حَدَث- قصد قربت شرط نیست و مقصود از آن تنها ازاله‌ی نجاست است که

۱. الفرقان / ۴۸

۲. الأنفال / ۱۱

۳. النساء / ۴۳

و ۳۷۷ و ۳۸۴ لیتر مذکور در میان شیعه را در بر می گیرد، هر چند بیشتر بشکه های متداول که بشکه های نفت هستند حدود ۱۵۹ لیتر گنجایش دارند و از این رو، می توان متوسط «دو قله» یا «یک کر» آب را حدود ۳۱۸ لیتر آب دانست. با این حال، حق آن است که ورود این اندازه در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت او و در سخن منصور هاشمی خراسانی، جنبه ی ارشادی و تقریبی دارد، نه مولوی و تعیینی؛ زیرا عدم انتشار نجاست در «آب کثیر»، یک واقعیت عینی و طبیعی ناشی از کثرت آب در مقایسه با حجم و نوع نجاست است و با این وصف، سخن شرع درباره ی آن اخبار است نه إنشاء. از این رو، قاعده در این باب عدم نجاست هر آبی است که نجاست افتاده در آن به همه ی اجزاء آن سرایت نمی کند و آن اندازه ی ثابت و معینی ندارد و می تواند بسته به حجم و نوع نجاست افتاده در آن میان ۲۰۰ تا ۴۰۰ لیتر در نوسان باشد و حتی مقداری کمتر یا بیشتر شود، ولی قدر متیقن آن بنا بر حکم عقل آبی است که اگر جزئی از آن حرکت داده شود، همه ی اجزاء آن به حرکت در نمی آید و قدر متوسط آن بنا بر خبر شرع «دو قله» یا «یک کر» معادل حدود ۳۱۸ لیتر آب است که روایات مشهور و متواتری از پیامبر و اهل بیت او در تأیید آن رسیده و این مستفاد از گفتار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که یکی از یارانمان ما را از آن خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: الْمَاءُ لَا يَنْجُسُ وَلَوْ كَانَ يَنْجُسُ لَمَا كَانَ يُطَهَّرُ شَيْءٌ أَبَدًا، قُلْتُ: أَلَيْسَ الْمَاءُ الْقَلِيلُ يَنْجُسُ إِذَا لَقِيَ نَجَاسَةً؟ قَالَ: الْمَاءُ لَا يَنْجُسُ وَلَكِنْ إِذَا كَانَ قَلِيلًا وَوَقَعَتْ فِيهِ نَجَاسَةٌ تَخَالِطُهُ النِّجَاسَةُ وَتِلْكَ الَّتِي تُنَجِّسُ النَّاسَ، قُلْتُ: أَفَلَا يُطَهَّرُهَا إِذَا تَقَعَتْ فِيهِ؟ قَالَ: إِنَّمَا يُطَهَّرُهَا إِذَا يَمُرُّ عَلَيْهَا، قُلْتُ: وَمَا الْكَثِيرُ مِنَ الْمَاءِ؟ قَالَ: مَا لَا تَخَالِطُهُ النِّجَاسَةُ إِذَا تَقَعَتْ فِيهِ، قُلْتُ: وَمَا هُوَ؟ قَالَ: لَا عَلَيْكَ أَنْ تَتَحَرَّاهُ، قُلْتُ: أَرَشِدُنِي إِلَيْهِ فَإِنَّ النَّاسَ قَدْ اخْتَلَفُوا فِيهِ، قَالَ: مَا إِذَا تَحَرَّكَ جُزْئُهُ لَمْ يَتَحَرَّكْ كُلُّهُ، قُلْتُ: وَمَا مِقْدَارُهُ؟ قَالَ: قُلْتَانِ وَهُمَا بِرِمِيلَانِ وَهُمَا كُرٌّ، قُلْتُ: وَمَا سَعَتُهُ بِالْأَشْبَارِ؟ قَالَ: سِتَّةٌ وَثَلَاثُونَ شَبْرًا، ثُمَّ قَالَ: أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ مَا فَرَضَ كُرًّا وَلَا أَشْبَارًا وَلَكِنَّ النَّاسَ لَمَّا جَاءُونَا حَيَارَى وَسَأَلُونَا نَظَرْنَا إِلَى مَا هُمْ عَلَيْهِ فَقَدَرْنَا لَهُمْ»؛ «شنیدم منصور می فرماید: آب نجس نمی شود و اگر نجس می شد هیچ گاه چیزی پاک نمی شد، گفتم: آیا آب اندک هنگامی که با نجاستی برخورد می کند نجس نمی شود؟! فرمود: آب نجس نمی شود، ولی هنگامی که اندک است و نجاستی در آن می افتد، نجاست با آن مخلوط می شود و این نجاست است که مردم را نجس می کند، گفتم: آیا آب، نجاست را هنگامی که در آن می افتد پاک نمی کند؟ فرمود: هنگامی آن را پاک می کند که بر آن می گذرد، گفتم: آب کثیر چیست؟ فرمود: چیزی که نجاست هرگاه در آن می افتد با آن مخلوط نمی شود، گفتم:



آن چیست؟ فرمود: (باکی) بر تو نیست که (خود) آن را تشخیص دهی، گفتم: من را به آن ارشاد کن؛ چراکه مردم در آن اختلاف کرده‌اند، فرمود: چیزی که هرگاه جزء آن حرکت می‌کند کل آن به حرکت در نمی‌آید، گفتم: مقدار آن چیست؟ فرمود: دو قله و آن دو بشکه است و آن کَر است، گفتم: مساحتش چند وجب است؟ فرمود: سی و شش وجب (مکعب معادل ۲۸۸ لیتر با احتساب هر وجب حدود ۲۰ سانتی متر و ۳۱۸ لیتر با احتساب هر وجب حدود ۲۱ سانتی متر و ۳۸۴ لیتر با احتساب هر وجب حدود ۲۲ سانتی متر)، سپس فرمود: بدان که خداوند کَری یا وجب‌هایی را فرض نکرد، ولی هنگامی که مردم در حال سرگردانی به نزد ما آمدند و از ما سؤال کردند، به چیزی که بر آن بودند نگریم پس برایشان اندازه‌گیری کردیم».

از اینجا دانسته می‌شود که اندازه‌ی تعیین شده برای «آب کثیر» صرفاً یک برآورد تقریبی با نظر به موارد شایع است و تبعاً نباید آن را یک حکم تعبدی و ثابت دانست؛ زیرا وظیفه‌ی مکلف این است که از نجاست دوری کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَالرَّجْزُ فَاهْجُرْ﴾؛ «و از پلیدی دوری کن» و با این وصف، هرگاه بداند که نجاستی در آب منتشر شده، مکلف است که از آن دوری کند و این هنگامی پیش می‌آید که نجاستی منتشر شونده در آبی اندک می‌افتد؛ با توجه به اینکه حتی اگر رنگ یا بو یا مزه‌ی آن را به گونه‌ی محسوسی تغییر ندهد، طبیعتاً به همه‌ی آن می‌رسد و با این وصف، استعمال آن برای نوشیدن یا وضو گرفتن بر خلاف بهداشت و بر خلاف طهارت مطلوب برای نماز است. با این حال، اگر مکلف بداند که نجاست افتاده در آب به دلیل ناچیز بودن یا خشک بودنش یا به دلیل عریض بودن سطح آب یا به دلیل دیگری به همه‌ی آن نرسیده است، می‌تواند از آن پس از بیرون ریختن عین نجاست و آب پیرامونش استفاده کند، اگرچه کمتر از اندازه‌ی تعیین شده باشد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ سَطْلٍ مِنَ الْمَاءِ يَقَعُ فِيهِ قَطْرَةٌ مِنَ الدَّمِ، فَقَالَ: إِذَا عَلِمْتَ مَوْقِعَهَا فَخُذْ مِنْهُ كَفًّا قَبْلَ أَنْ تَنْتَشِرَ فِيهِ فَإِنْ انْتَشَرَتْ فِيهِ فَلَا تَشْرَبْ مِنْهُ وَلَا تَتَوَضَّأُ، قُلْتُ: فَإِنْ وَقَعَ فِيهِ نَجَاسَةٌ يَابِسَةٌ مِثْلُ شَيْءٍ مِنَ الْمَيْتَةِ وَلَمْ تَنْتَشِرْ فِيهِ فَتَرَى الشُّرْبَ وَالتَّوَضُّأَ مِنْهُ جَائِزًا؟ قَالَ: نَعَمْ»؛ «از منصور درباره‌ی سطلی از آب پرسیدم که یک قطره خون در آن می‌افتد، پس فرمود: هرگاه جای افتادنش را دانستی پیش از اینکه در آن پخش شود یک کف از آن بگیر، پس اگر در آن پخش شد از آن ننوش و وضو نگیر، گفتم: پس اگر در آن نجاست خشکیده‌ای مانند چیزی از مردار افتاد و در آن پخش نشد، نوشیدن و وضو گرفتن از آن را جایز می‌دانی؟ فرمود: آری».

۱. المذثر/ ۵

۲. گفتار ۱۲۴، فقه‌ی ۳

این نظر آن جناب هر چند بر خلاف نظر سایر عالمان است، حقیقت نظر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است که در روایات فراوانی از آنان انعکاس یافته؛ چنانکه به عنوان نمونه، از عبد الله بن یحیی کاهلی رسیده است که گفت: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا أَتَيْتَ مَاءً وَفِيهِ قَلَّةٌ فَأَنْضِخْ عَنْ يَمِينِكَ وَ عَنْ يَسَارِكَ وَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَوَضَّأْ»؛ «شنیدم ابو عبد الله (جعفر بن محمد صادق) علیه السلام می فرماید: هرگاه به نزد آبی آمدی و در آن قَلْتی بود، پس از راست و چپ و روبه روی خود (مقداری) بیرون بریز و (سپس) وضو بگیر» و از ابو بصیر رسیده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا نُسَافِرُ فَرْبَمَا بَلِينَا بِالْعَدِيرِ مِنَ الْمَطَرِ يَكُونُ إِلَى جَانِبِ الْقَرْيَةِ فَتَكُونُ فِيهِ الْعَذْرَةُ وَ يَبُولُ فِيهِ الصَّبِيُّ وَ تَبُولُ فِيهِ الدَّابَّةُ وَ تَرَوْتُ فَقَالَ: إِنْ عَرَضَ فِي قَلْبِكَ مِنْهُ شَيْءٌ فَأَفْعَلْ هَكَذَا يَعْنِي أَفْرِجِ الْمَاءَ بِيَدِكَ ثُمَّ تَوَضَّأْ فَإِنَّ الدِّينَ لَيْسَ بِمُضَيِّقٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمُ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾»؛ «به ابو عبد الله علیه السلام گفتم: ما سفر می کنیم، پس گاهی به آبیگری از باران بر می خوریم که کنار قریه است، پس در آن مدفوع است و کودک در آن بول می کند و چهارپایان در آن بول می کنند و پهن می اندازند، پس فرمود: اگر در دلت چیزی از آن پیدا شد این طور کن یعنی با دستت آب را کنار بزن؛ چراکه دین مضیق نیست؛ چنانکه خداوند عز و جل فرموده است: <در دین برایتان تنگنایی قرار نداده است>» و از بکار بن ابی بکر رسیده است که گفت: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَصْعُقُ الْكُوزَ الَّذِي يَعْرِفُ بِهِ مِنَ الْحُبِّ فِي مَكَانٍ قَدِيرٍ ثُمَّ يَدْخُلُهُ الْحُبُّ قَالَ: يَصُبُّ مِنَ الْمَاءِ ثَلَاثَةَ أَكْفُفٍ ثُمَّ يَذْلُكُ الْكُوزَ»؛ «به ابو عبد الله علیه السلام گفتم: مردی کوزه ای که با آن از خمره آب بر می دارد را در جای ناپاکی قرار می دهد، سپس آن را در خمره داخل می کند، فرمود: سه کف از آب (خمره) بیرون می ریزد و سپس کوزه را دست می کشد» و از ابو مریم انصاری رسیده است که گفت: «كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَائِطٍ لَهُ فَخَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَتَرَحَّ دَلُّوا لِلْوُضُوءِ مِنْ رُكْبَتِي لَهُ فَخَرَجَ عَلَيْهِ قِطْعَةٌ مِنْ عَذْرَةٍ يَابِسَةٍ فَأَكْفَأَ رَأْسَهُ وَ تَوَضَّأَ بِالْبَاقِي»؛ «به همراه ابو عبد الله علیه السلام در بوستان آن حضرت بودم، پس چون وقت نماز شد یک سطل آب از چاه برای وضو کشید، پس بر روی آن تکه ای مدفوع خشکیده دید، پس سر سطل را کج کرد (و مقداری از آب را به همراه نجاست بیرون ریخت) و با باقی وضو گرفت» و از سماعة رسیده است که گفت: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُرُّ بِالْمَيْتَةِ فِي الْمَاءِ فَقَالَ: يَتَوَضَّأُ مِنَ النَّاحِيَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا الْمَيْتَةُ»؛ «از آن حضرت درباره ی مردی پرسیدم که بر مرداری در آب می گذرد، پس فرمود: از طرفی که در آن مردار نیست وضو می گیرد» و از زراره رسیده است که گفت:

۱. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۳
۲. الإستبصار للطوسي، ج ۱، ص ۲۲
۳. الحج / ۷۸
۴. الكافي للكليني، ج ۳، ص ۱۲
۵. الإستبصار للطوسي، ج ۱، ص ۴۲
۶. الإستبصار للطوسي، ج ۱، ص ۲۱

«قُلْتُ لَهُ [يَعْنِي لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ] رَاوِيَةً مِنْ مَاءٍ سَقَطَتْ فِيهَا فَأَرَّةٌ أَوْ جُرْدٌ أَوْ صَعُوَّةٌ مَيْتَةٌ، قَالَ: إِذَا تَفَسَّخَ فِيهَا فَلَا تَشْرَبْ مِنْ مَائِهَا وَلَا تَتَوَضَّأُ مِنْهَا وَإِنْ كَانَ غَيْرَ مُتَفَسِّخٍ فَاشْرَبْ مِنْهُ وَتَوَضَّأْ وَاطْرَحِ الْمَيْتَةَ إِذَا أَخْرَجْتَهَا طَرِيَّةً وَكَذَلِكَ الْجَرَّةُ وَحُبُّ الْمَاءِ وَالْقَرْبَةُ وَأَشْبَاهُ ذَلِكَ مِنْ أَوْعِيَةِ الْمَاءِ، قَالَ: وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: إِذَا كَانَ الْمَاءُ أَكْثَرَ مِنْ رَاوِيَةٍ لَمْ يُنَجِّسْهُ شَيْءٌ تَفَسَّخَ فِيهِ أَوْ لَمْ يَتَفَسَّخْ إِلَّا أَنْ يَجِيءَ لَهُ رِيحٌ يَغْلِبُ عَلَى رِيحِ الْمَاءِ»؛ «به آن حضرت [یعنی ابو جعفر باقر علیه السلام] گفتم: در یک راویه آب (ظرف بزرگی ساخته شده از سه پوست)، مردار موش خانگی یا موش صحرايي يا گنجشک افتاده است، فرمود: اگر در آن متلاشی شده است از آن ننوش و از آن وضو نگیر و اگر متلاشی نشده است پس از آن بنوش و وضو بگیر و مردار را هرگاه تازه درآوردی بیرون بینداز و درباره‌ی سب و خمره‌ی آب و مشک و مانند آن از ظروف دیگر آب نیز همین طور است. ابو جعفر علیه السلام همچنین فرمود: هرگاه آب بیشتر از یک راویه بود، چیزی آن را نجس نمی‌کند خواه در آن متلاشی شده باشد و خواه متلاشی نشده باشد، مگر اینکه برای آن بویی پیدا شود که بر بوی آب غلبه داشته باشد».

از اینجا دانسته می‌شود که علت وجوب اجتناب از «آب قلیل» پس از افتادن نجاست در آن، صرفاً پخش شدن نجاست در آن است و از این رو، هرگاه نجاست در آن پخش نشده باشد، اجتناب از آن واجب نیست، بلکه می‌توان نجاست و آب اطراف آن را بیرون ریخت و از باقی استفاده کرد. به عبارت دیگر، «آب قلیل» به محض ملاقات با نجاست نجس نمی‌شود، بل هر جزئی از آن که نجاست به آن می‌رسد، نجس می‌شود و با این وصف، نجاستی که در آن حل می‌شود، همه‌ی آن را نجس می‌کند؛ چراکه طبیعتاً به همه‌ی اجزاء آن می‌رسد، ولی نجاستی که در آن حل نمی‌شود، بلکه از آن متمایز است، تنها اجزاء مجاور خود را نجس می‌کند، بلکه در واقع اجزاء مجاور خود را نیز نجس نمی‌کند؛ چراکه بنا بر قاعده‌ی «الْمَاءُ لَا يَنْجُسُ»، آب نجس نمی‌شود، بلکه نجاست را حمل می‌کند (يَحْمِلُ الْحَبَثَ) و با این وصف، اگر نجاست چیز جامدی مانند مردار تازه باشد که ذراتی از آن جدا نشده، کافی است که از «آب قلیل» بیرون آورده شود، بدون اینکه نیازی به کم کردن از آب باشد. از اینجا دانسته می‌شود که شبهه‌ی عالمان مبنی بر نامعقول بودن تطهیر نجاست با «آب قلیل» نظر به نجس شدن آن با ملاقات نجاست، اصلی ندارد؛ زیرا «آب قلیل» با ملاقات نجاست -خواه نجاست بر آن وارد شود و خواه آن بر نجاست- نجس نمی‌شود، بل هنگامی که نجاست بر آن وارد شود، در آن می‌ماند و چه بسا انتشار می‌یابد و در این هنگام استعمال آن جایز نیست و هنگامی که آن بر نجاست وارد می‌شود، آن را می‌زداید و تبعاً تطهیر می‌کند و در این هنگام استعمال آن جایز است.

۳. آب کثیر متغیّر با نجاست، پس از زوال تغیرش به سبب آمیخته شدن با آب کثیر غیر متغیّر، قابل استفاده می‌شود. همچنین، آب قلیلی که با نجاست آمیخته است، پس از آمیخته شدن با



آب کثیر غیر آمیخته، قابل استفاده می‌شود. همچنین، آب جاری متغیر با نجاست، پس از زوال تغییرش به سبب جوشش یا جریانش، قابل استفاده می‌شود. البته آب‌های جوشنده و بدون جریانی مانند آب چاه و آب چشمه‌ای که جریان نمی‌یابد، هر چند به اقتضای جوشنده بودنشان مانند آب جاری هستند، به اقتضای عدم جریانشان مانند آب را کردند و نجاستی که در آن‌ها می‌افتد را آبشان می‌دارند و از این رو، در صورتی که قلیل باشند باید به تناسب نجاست افتاده در آن‌ها از آبشان بیرون ریخت، هر چند در صورتی که کثیر باشند و رنگ یا بو یا مزه‌ی نجاست را نگرفته باشند، چنین کاری واجب نیست.

۴. تطهیر چیزهای متنجس، به معنای ازاله‌ی نجاست از آن‌هاست که به صورت طبیعی با آب انجام می‌شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: «وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ»^۱؛ «و بر شما از آسمان آبی فرو می‌فرستد تا شما را با آن پاکیزه کند و پلیدی شیطان را از شما بزدايد» و فرموده است: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۲؛ «جز این نیست که خداوند می‌خواهد تا آلودگی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را کاملاً تطهیر کند». بنابراین، هرگاه عین نجاست و رطوبت ناشی از آن، با گذر آب برطرف شود، طهارت حاصل شده است؛ چنانکه در گفتار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی گذشت: «إِنَّمَا يُطَهِّرُهَا إِذَا يَمُرُّ عَلَيْهَا»؛ «هنگامی آن را پاک می‌کند که بر آن می‌گذرد»؛ به این معنا که با عبور از محل نجاست، عین نجاست و رطوبت ناشی از آن را با خود می‌برد و با این وصف، گذر آب از محل نجاست و نماندن در آن -خواه با جریان طبیعی و خواه با فشار- ضروری است؛ چراکه اگر در آن بماند، نجاست را در آن نگاه می‌دارد؛ همچنانکه یک بار گذر از آن هرگاه عین نجاست و رطوبت ناشی از آن را ببرد کفایت می‌کند و نیازی به تکرار نیست.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. الأنفال / ۱۱
۲. الأحزاب / ۳۳

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.